

کمانگول

مهر ۱۳۹۱ /// شماره ۶۹

مباحث پیش کنگره ششم

گزارشی از وضعیت جهان .

بحران سرمایه داری جهانی

یک با یک برابر نیست!

بمناسبت آغاز سال تحصیلی جدید!

صفحه ۲

تلاشهای جمهوری اسلامی برای خنثی

نمودن تحریمهای اقتصادی و

اعطای باجهای گزاف به افراد و حاکمان

منطقه ای در این راستا!

صفحه ۵

اخبار و گزارش

اعدام ۸ تن در زندان قزل حصار

چشم انداز جنگ در ایران (نوشین شفاهی)

ایران در شرایطی میزبان برگزاری شانزدهمین اجلاس جنبش کشورهای غیر متعهد در تهران شد که هم از لحاظ اقتصادی در وضعیت روز افزون وخیمی بسر می برد و هم از ترس و نگرانی از سرگیری اعتراضات و تظاهرات توده ای، تهران را بحالت نیمه تعطیل در آورد. در کنار تبلیغات آمریکا و میدیای جهانی که عدم ثبات اقتصادی-سیاسی در ایران را یکی دیگر از توجیهات تشدید فشارها و تحریمات اقتصادی اعلام میکند، موفقیت رژیم ایران در خفه کردن هر صدای اعتراضی و متقاعد کردن سران این جنبش برای شرکت در این اجلاس ،شانس رژیم را به بیرون آمدن از این ایزولاسیون سیاسی بالا می برد. درپروسه تدارک و برگزاری اجلاس سران کشورهای غیر متعهد، سران رژیم اسلامی عملا نه به اولتیماتوم که به تزرع افتادند که کسی به خیابانها نیاید و نظم ظاهری را برهم نزند. ... صفحه ۳

تحریم اقتصادی و شورش های اجتماعی (یدی شیشوانی)

برغم هیاهوی رهبران جمهوری اسلامی مبنی بر بی تاثیر و یا کم تاثیر بودن تحریمات همه جانبه آمریکا و کشورهای غربی بر وضعیت اقتصادی و اجتماعی و سیاسی کشور، اما شواهد و قرائن نشان میدهد که اعمال این تحریم ها خیلی زودتر از آن چه که پیشبینی میشد برحیات اقتصادی و به تبع آن براوضاع سیاسی ایران موثر افتاده است و ادعاهای جمهوری اسلامی مبنی بر اینکه گویا چنین تحریمی اقتصاد ایران را قوی تر و سوخت و ساز آنرا مستقل تر خواهد کرد، با واقعیت های اقتصاد ایران خوانائی ندارد. صفحه ۸

اطلاعیه شورای نمایندگان " نشست نیروهای چپ و کمونیست "

بمناسبت آغاز سال تحصیلی . صفحه ۱۳

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

. برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی!

یک با یک برابر نیست! مناسبت آغاز سال تحصیلی

یک اگر با یک برابر بود
پس که پشتش زیر بار فقر خم
می شد؟
یا که زیر ضربت شلاق له می
گشت؟
یک اگر با یک برابر بود
پس چه کس آزادگان را در قفس
می کرد؟
معلم ناله آسا گفت:
بچه ها در جزوه های خویش
بنویسید:

یک با یک برابر نیست ...
با فرا رسیدن اول ماه مهر و پایان یافتن تابستان باز هم سال تحصیلی جدیدی در سراسر کشور جمهوری اسلامی زده شروع می شود و یکبار دیگر جوانان و نوجوانان سراسر کشور به سوی کلاس های درس و مراکز آموزشی روانه می شوند ، مراکزی که در طی سه دهه اخیر شاهد جوش و خروش نسلی از فداکارترین معلمین و دانش آموزان و دانشجویان بوده و به معنای واقعی کلمه سنگر علم و آگاهی و مبارزه بوده اند . فرهنگ مبارزاتی که در بستر خویش و در همین مکانها بهرنگی ها و گرجی بیانیها و صدها عنصر آگاه و مبارز را تقدیم نسل پویا و انقلابی نمود . اکنون اگر چه فضای رخوت و سستی بر مدارس و مراکز آموزشی تا حدود زیادی حاکم گردیده اما هر از گاهی آتش عصیان در آنها شعله میکشد و میرود تا به جنبشی عظیم و فراگیر طبقاتی تبدیل گردد .

مدارس امسال نیز همچون سالهای گذشته در شرایطی بازگشوده می شوند که ارتجاع مذهبی حاکم ، سایه شوم خویش را بر تمامی عرصه های زندگی توده ها گسترانیده است و حقوق اولیه اجتماعی را نه تنها از توده های زجز دیده و تحت ستم سراسر ایران ، بلکه از فرزندان آنها نیز در تمامی زمینه ها سلب نموده است و هرگونه آموزش و اندیشه ی مرفقی و علمی را از سطور کتابهای درسی آنها حذف نموده و یک مشت خرافه های ضد علمی و ارتجاعی را جایگزین هرگونه آموزشی نموده است .

در سایه حاکمیت مرتجعین حاکم بر میهنمان طی سه دهه گذشته مخربترین سیاستهای ضد فرهنگی در مدارس و مرکز آموزشی ایران توسط دست

اندرکاران حاکمیت اجرا گردیده است . بعد از سرکوبهای گسترده دهه 60 حاکمیت این فرصت را یافت تا با فارغ بال نسبی سیاستهای و فوق ارتجاعی خویش را در مدارس و مراکز آموزشی دنبال کند و با تشکیل اردوهای نضیر راهیان نور و غیره و یا جلسات مذهبی به شستشوی کودکان و نوجوانان و جوانان خواهان تحصیل بپردازد . حاکمیت ارتجاعی به جای ارتقا سطح آموزش از نظر کمی و کیفی تنها هدفی که از ادامه کار مراکز آموزشی دنبال کرده است این است که به شیوع اندیشه های ارتجاعی و قرون وسطایی همانند طاعون در چنین مراکزی کمک نماید و فکر و اندیشه دانش آموزان و دانشجویان را الوده نماید و از رشد افکار مرفقی و ازادخواهانه که همواره نسل جوان تشنه آنند جلوگیری نماید . رشد و گسترش فرهنگ بی میلالتی و بی خیالی نسبت به محیط اطراف کار و زندگی و غرق شدن در مناسبات لمپنی همان چیزی است که رژیم همواره و بطور جدی و بخصوص در مراکز آموزشی آنرا دنبال کرده و میکند . گسترش چنین اندیشه های مخربی است که به هر فرد این جامعه مقبولاند که وضع حاکم نه تنها غیر قابل تغییر است بلکه بایستی آنرا بعنوان واقعیت و حتی حقیقتی غیر قابل انکار و تغییر پذیرفت و نسبت به عواقب سلطه آن و آنچه برای زندگی ما دنبال میآورد بی تفاوت بود . بایستی قبول کرد که این چنین بی تفاوتی بهترین و عاقلانه ترین کاری است که هرد فرد عاقل و فرهیخته ای؟! و با تقوای میتواند انجام دهد . در چنین فضایی است که هیچ دانش آموز و دانشجویی به مغز خود فشار وارد نمیآورد که چرا میلیونها کس از همسن و سالهای آنها بجای نشستن در پشت میز و نیمکت و استفاده از امکانات آموزش در بدترین شرایط و امکانات برای سیر کردن شکم خویش و خانواده هایشان مشغول کارهای طاقت فرسا هستند و پر میگردند . افت وحشتناک و غیر قابل تصور سطح آموزشی در مدارس و دانشگاهها و در عوض گسترش و ترویج خرافه و افکار ارتجاعی در مراکز آموزشی نه امری اتفاقی و ناشی از نا کارآمدی سردمداران جمهوری اسلامی بلکه سیستماتیک و دقیقا ناشی از تعقیب سیاستی هدفدار است که در جهت محو آثار اندیشه های پویا و خواهان تغییر در جامعه گام بر میدارد .

دانش آموزان و دانشجویان آگاه و مبارز بایستی با موج ویرانگر چنین سیاست

ارتجاعی در سطح مراکز آموزشی و در کل جامعه بطور جدی مقابله نموده و به افشای آن بپردازند و زنگ مدارس را به زنگ مبارزه خود علیه سرکوب و اختناق تبدیل کنند.

مستحکم باد اتحاد و همبستگی دانش

آموزان سراسر کشور علیه رژیم

ارتجاعی جمهوری اسلامی

زنده باد سوسیالیسم

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

ایران

برقرار باد جمهوری فدراتیو شورایی

ایران !

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

شاهین بجگان چو پر برآند .

ز آنسوی ستاره سر برآند .

زینگونه مبینشان زمینگیر :

فردا باشد که پر برآند.

و آنگاه . به پیش تیر صیاد .

از تیزی پر سپر برآند .

از گرده مار خون بنوشند :

وز روبهکان جگر برآند.

خرچنگ و شغال را . به چنگال .

از لانه بحر و بر برآند.

با شیر و گوزن در نیچند :

از توست دمار اگر برآند :

پیر افعی ! ای که کژدمان نیز

تر آن تو سم بتر برآند !

و انسان که تویی . ز قعر دوزخ

حیوان دگر مگر برآند !

ای کرده به گورشان پدر ! باش

از گور تو را پدر برآند

...

قسمتی از شعر اسماعیل خویی

چشم انداز جنگ در ایران (نوشین شاهی)

ایران در شرایطی میزبان برگزاری شانزدهمین اجلاس جنبش کشورهای غیر متعهد در تهران شد که هم از لحاظ اقتصادی در وضعیت روز افزون وخیمی بسر می برد و هم از ترس و نگرانی از سرگیری اعتراضات و تظاهرات توده ای، تهران را بحالت نیمه تعطیل در آورد. در کنار تبلیغات آمریکا و میدیای جهانی که عدم ثبات اقتصادی-سیاسی در ایران را یکی دیگر از توجیحات تشدید فشارها و تحریمات اقتصادی اعلام میکند، موفقیت رژیم ایران در خفه کردن هر صدای اعتراضی و متقاعد کردن سران این جنبش برای شرکت در این اجلاس، شانس رژیم را به بیرون آمدن از این ایزولاسیون سیاسی بالا می برد. درپروسه تدارک و برگزاری اجلاس سران کشورهای غیر متعهد، سران رژیم اسلامی عملا نه به اولتیماتوم که به تزرع افتادند که کسی به خیابانها نیاید و نظم ظاهری را برهم نزند.

رژیم اسلامی تلاش میکند که با جلب کشورهای بیشتری در محکوم کردن نقش آمریکا در سوریه، در واقع کل جنبش اعتراضی در سوریه را بحساب نقشه های پشت پرده آمریکا تمام کند و همزمان سرکوب وحشیانه مردم سوریه توسط اسد را موجه و دفاع از امنیت ملی تعریف کند. با توجه به نزدیکی ها و تاثیرات بدون انکار تمامی اعتراضات بهار عرب و جنبش سال 88 ایران از لحاظ زمینه های مشترک سیاسی-اقتصادی که موجد این انقلابات گشته، طبیعتا هر سطحی از پیروزی رژیم در جلب این ساپورت بنفع موقعیت سیاسی آن هم خواهد بود. رژیم اسلامی بخوبی واقف است که پیروزی آمریکا در تکمیل پروژه لیبیا لیزه کردن سوریه مقدمات مطلوب و مساعد را برای مداخله در ایران آماده خواهد کرد و هر آینه که جنبش سرکوب شده سال 88 دوباره بخیانها سرریز شود، از این منظر ایران همواره یکی از موضوعات

حساس در سیاستهای خارجی آمریکا خواهد بود.

آنچه که در سوریه در جریان است با آنچه که در میدیای غرب سعی در قبولاندنش دارند بسیار متفاوت است. توده های زحمتکش سوریه بدنبال جنبش های انقلابی ای که در سال گذشته در منطقه اتفاق افتاد علیه رژیم بشار اسد بپا خاستند. در کنار این توده های انقلابی، جریانهای ارتجاعی اسلامی و پرو غرب هم که وسیعا توسط آمریکا از لحاظ مالی و تسلیحاتی حمایت میشوند هم حضور دارند و میدیای غرب پوشش خبری وسیعی را در جهت چهره دادن به نمایندگی این انقلاب اختصاص داده است.

سوریه نه فقط یکی از متحدین رژیم ایران بلکه یکی از بازوان نظامی-سیاسی رژیم را در منطقه بعهده دارد. هر فشار سیاسی و تغییری در معادلات سیاسی سوریه فشار و تغییری در موقعیت سیاسی رژیم ایران را بدنبال خواهد داشت. کنترل جنبش توده ای در سوریه از بالا توسط آمریکا و ناتو طبیعتا به ایزوله کردن و به حاشیه راندن بیشتر رژیم ایران کمک میکند و توام با فشارهای اقتصادی و تحریمات هم اکنون رژیم ایران را بیشتر به تمکین سیاستهای آمریکا میکشانند. این تا اینجا، تحلیلی سیاه - سفید از شرایط است. یکی از مهمترین فاکتوری که در اینجا بحساب گرفته نمیشود و یا ناچیز گرفته میشود مولفه نقش توده های ایران است که براحتی میتواند روی صورت مسئله به این شکل و یا هر شکل دیگری خط قرمز بکشد. مضمون واقعی جنبش توده های مردم و خیزش بعدی اش و توقعات و مطالبات سیاسی ای که جنبش را تعریف کند خود در اینکه در مقابل راست پرو غرب و مسئول پیشبرد سیاستهای آمریکا و یا سناریو دخالت مستقیم، تمکین کند و یا چقدر کوتاه بیاید، نقشی تعیین کننده دارد. هر چه رادیکالیزم جنبش گسترده تر باشد

تلاشهای مذبحانه ارتجاع محلی و آمریکا در بدست گیری ابتکار عمل و کنترل انقلاب بیشتر خواهد شد.

دولت اوپاما اگرچه در رابطه با سوریه محتاطانه حرکت کرده است ولی توسط ترکیه و عربستان سعودی و دیگر کشورهای همسایه زمینه و شرایطی برای دخالتگری نظامی فراهم کرده است. ترکیه و عربستان و قطر حمایت مالی و نظامی فراوانی از گروه های اپوزیسیون مذهبی(سنی) را بعهد گرفته اند و آمریکا از لحاظ تبلیغاتی افکار عمومی را جهت حضور علنی تر و بیواسطه با پوشش کمکهای انساندوستانه، منطقه پرواز ممنوع، و محدودیتها و ممانعتهای دریایی آماده تر میکند. آیا وضعیتی که در سوریه بوجود آمده است احتمال حمله نظامی آمریکا را در ایران واقعی تر کرده است یا نه؟ جواب صریح به این سوال بی تردید به دو نیروی بسیار تعیین کننده ای بستگی دارد که در مقابل همدیگر قرار دارند:

1- یکی جنبش جهانی ضد جنگ و ضد فقر که طبقه کارگر، مدافعینش و توده های معترض و مصمم در رأس آن وجود دارند.

2- و دیگری استیصال سیستم در قدرت که بطرز رقت باری هم سعی در خفه کردن مخالفین و معتزیزنش دارد و هم عاجزانه میخواهد سیستم منحط و به بن بسته رسیده اقتصادی-سیاسی اش را نجات دهد.

تاکید بر تاسیسات اتمی ایران با توجه به برداشت افکار جهانی و تاریخ سیاسی خود آمریکا دیگر آن قدرت تخدیر کننده چند سال پیش را ندارد. ولی با برجسته کردن این مسئله، عام پسندانترین توجیه را در مقابل دخالت احتمالی (مستقیم یا نیابتی-اقتصادی یا نظامی) به افکار عمومی میفرودد. اگرچه ظاهرا در شدت و حدت میل به حمله نظامی و زمان آن با اسرائیل هم نظر نیست ولی بخوبی از اسرائیل و تهدیدات گسترده اش بار فشار به رژیم اسلامی استفاده میکند. اسرائیل در میدیای رسمی اش (جوروسلام پست) علنا اعلام میکند

که اعزام آتی هزارها نیروی نظامی آمریکا به اسرائیل در راستای " نیروی نظامی مشترک در صورت بروز یک درگیری نظامی گسترده در خاور میانه" قطعیت دارد.

با توجه به موارد زیر احتمال حمله نظامی آمریکا به ایران در حال حاضر و دستکم در دوره کمپین انتخابات آمریکا کم است و میتواند در صورت اضطراری از مدلهای دیگری در جابجایی رژیم در ایران استفاده کند:

افغانستان و عراق هر دو موضوع مدلی از مداخله نظامی بودند که هم اکنون بسیار بی اعتبار و از لحاظ حسابگری سیاسی در شرایط اقتصادی بحرانی برای غرب خطرناک است. برای افکار عمومی غرب هم یک محصول قابل فروش و آسان نیست که به اصطلاح برای حل معضلات سیاسی-اقتصادی خاورمیانه آمریکا و ناتو دست تنها و به نیابت از توده های محلی به آنها حمله و کشورشان اشغال شود و این حتی بدون در نظر گرفتن بروز جنگهای داخلی و تشدید عدم امنیت اجتماعی و مدنی است. < مدل جدیدتر که نمونه آن در لیبی و با دخالت آمریکا و ناتو عملی شد، سوپرمن غرب دست تنها و مستقیم امر نجات توده های معترض را اجرا نکرد بلکه مرتجعین مخالف قذافی که بسترشان روسای قبیله های مختلف با برنامه ها و مطالبات ارتجاعی مذهبی بودند بعنوان نماینده انقلابیون و مردم انقلابی لیبی در افکار عمومی جازده و مسلح شدند، و با حمله ناتو و سقوط طرابلس پروژه سوپرمن آمریکا ظاهرا تمام شد ولی مردم لیبی از زن و کودک و اقلیتهای مذهبی و جنسی و زیر ضرب قوانین ارتجاعی اسلامی و ضد بشری حاکمین جدید وارد یک دوره جدید تراژیک شده اند.

در سوریه که پروژه در حال انجام است، هزارها مردم بیدفاع توسط طرفین ارتجاعی هم رژیم فاسد اسد و هم ارتجاع مسلح و گانگسترهایی که توسط میدیای غرب نماینده انقلابیون سوریه معرفی شده اند سلاخی گشته اند .

تراژدی هنوز هم ادامه دارد و اینبار نه ناتو آمریکا بلکه عربستان سعودی و ترکیه و قطر و دیگر کشورهای پرو غرب به نیابت مسئول پیش برد این پروژه سوپرمنی آمریکا گشته اند. عربستان و کشورهای خلیج نه تنها این گروه های مرتجع را مسلح کرده اند بلکه به آنها مستمری هم میدهند که با توجه به وضعیت وخیم اقتصادی و فقر و تنگدستی گسترده ای که با اوضاع جنگی تعمیق بیشتری یافته، جوانان بسیاری جذب و جلب عضوگیری های جدید آنان گشته اند. آیا آنچه که در لیبی اتفاق افتاد در هر نسبی بنفع توده های پایین و کم درآمد لیبی بوده است؟ آیا به نفع ایجاد یک فضای سیاسی دموکراتیکتری با تضمین رعایت حقوق انسانی آحاد تمام جوامع لیبی و اقشار مختلف گشته؟ بدون شک پاسخ منفی است، نه تنها جنبش رادیکال لیبی شدیداً سرکوب شد بلکه بسیاری از حقوق جا افتاده مدنی و قضایی در ارتباط با زنان و غیره ... منحل و با حقوق اسلامی و ارتجاعی جایگزین گشته اند.

در سوریه هم به همین منوال خواهد بود. هر آنچه که از این زد و بند های پشت پرده های حکام فاسد سعودی با شورشیان مورد حمایتش برآیند کند در هیچ ابعادی بنفع توده های زحمتکش و ستمدیده سوری نخواهد بود.

پیروزی آمریکا در تکمیل پروژه لیبیالیزه کردن سوریه مقدمات مطلوب و مساعد را برای مداخله در ایران آماده خواهد کرد. تغییر رژیم در سوریه، ایران را بیشتر ایزوله خواهد کرد و طبعاً روسیه و چین هم نیازمند تجدید نظر در پشتیبانی از ایران و تمکین کردن به سهم کمتری از منافع در ارتباط با ایران به منظور تضمین اتی سهم بودن در قراردادهای نفتی و گاز در ایران خواهند شد. نتیجتاً به تزلزل سیاسی بیشتر رژیم اسلامی منجر میشود ولی بدون داشتن نماینده هایی در اپوزیسیون که عامل پیش بردن برنامه های سیاسی آمریکا باشند، این امر نه فقط یک ریسک سیاسی است بلکه در

حال حاضر حتی بر علیه منافع خود آمریکاست و میتواند کاملاً بر علیه آنچه که منظور بوده عمل کند.

تکاپوی جدید و فعالتری که در اپوزیسیون پرو غرب خارج از کشور جریان دارد بر حول چنین ملاحظه ای قرار گرفته است. از شورای ملی مقاومت گرفته تا سلطنت طلبان و حامیان رضا پهلوی تا سکولارها و جمهوری خواهان و سبزه های سکولار یا موسوی چی در سطح قدرت و ظرفیت های جریانی شان سعی در تقسیم پست و مقام در ایران بعد از رژیم اسلامی هستند. هر کدام اینها سعی در اثبات و ابراز لیاقت بیشتری در انتخاب این مقام نیابتی. انقلاب ایران از جانب آمریکا دارند . یکی از ملاحظاتی که آمریکا را از زدن کلید استارت به این جنگ آسوده خاطر خواهد کرد، آمادگی توده های کثیر به حمایت از این حمله و آدایت کردن این نماینده های منتخب بعنوان رهبر جنبشش است. با یک جمع بندی حتی سرسری از سطح اعتراضات کارگری و توده ای در ایران این براحتی عملی نخواهد شد مگر اینکه از یک کانال سرکوب وحشیانه رژیم از انقلابیون و خود این نماینده های نایبی آمریکا از بخش رادیکال جنبش مردم ایران در یک پروسه حذف خونبار از عناصر چپ و سوسیالیست بگذرد.

تعطل آمریکا در رابطه با حمله نظامی به ایران کاملاً به صف آراییی و قدرت توده ای این نیروها بستگی دارد و بهمین دلیل هم، از یک طرف اسرائیل را آزاد گذاشته است که با تبلیغات و تهدیدات علنی اش بر یک حمله نظامی قریب الوقوع افکار عمومی را آماده سازد و هم اینکه بر بحث و توافق مشترک بر راه حلهای سیاسی تاکید کند که کاربرد گزینه های متفاوت را با اوضاع مطلوب آن هماهنگ کرده باشد.

چه اتفاقی در سوریه خواهد افتاد یکی از گره ای ترین موضوعاتی است که دولت آمریکا را به عکس العمل در قبال ایران و در چه پوشش توجیهی ای وا میدارد. در صورت

اخبار زندانیان سیاسی

شکنجه زندانی سیاسی معلول دهه ۶۰ برای گرفتن توبه نامه

بنابه گزارشات رسیده به «فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران»، بازجویی چند ساعته و شکنجه جسمی زندانی سیاسی دهه ۶۰ به منظور وادار کردن او به اعترافات تلویزیونی علیه اعتقاداتش توسط بازجویان در اداره اطلاعات رشت.

زندانی سیاسی هادی عابدی باخدا از زندانیان سیاسی دهه ۶۰ که نزدیک به یک سال است از محکومیت غیر قانونی و غیر انسانی اش می گذرد، اما بازجویان وزارت اطلاعات آزادی وی را منوط به نوشتن توبه نامه و اعترافات تلویزیونی نموده اند.

مدتی پیش بازجویان وزارت اطلاعات او را از زندان لاکان به اداره اطلاعات رشت منتقل کردند و توسط بازجویان وزارت اطلاعات چندین ساعت مورد بازجویی توأم با وعده و شکنجه های جسمی قرار دادند.

شکنجه گران ولی فقیه او را تحت فشارهای شدید غیر انسانی قرار دادند که یا باید توبه نامه و اعترافات تلویزیونی نماید و یا اینکه پرونده جدیدی علیه او خواهند گشود و محکومیت سنگینی علیه وی بکار خواهند برد.

علیرغم معلولیت شدید و قرار داشتن بر روی صندلی چرخدار و بیماریهای متعدد که به دلیل بودن در زندان و عدم درمان متحمل می شود و همچنین شکنجه های جسمی بازجویان، اما زندانی سیاسی هادی عابدی باخدا به خواست دست رد زد و مرعوب شکنجه و فریب وعده های آنها نگردید. بازجویان ولی فقیه این زندانی سیاسی را که با جسمی معلول و بر صندلی چرخدار قرار داشت و کبودیهای حاصل از شکنجه های جسمی به سلولش بازگرداندند.

فروش کلیه فرزند به منظور تامین هزینه ملاقات خانواده با معلم زندانی در زندان زاهدان

بنابه گزارشات رسیده به «فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران» «قطع حقوق بازنشستگی معلم زندانی محمد امین آگوشی باعث شده است که شرایط معیشتی وی و خانواده اش را در شرایط بسیار سختی قرار دهد.

زمان آگوشی ۲۴ ساله متأهل و دارای یک فرزند ۲ ماه فرزند معلم زندانی برای تامین هزینه سفر جهت ملاقات با پدرش در زندان زاهدان ناچار شد که کلیه سمت چپش را به بیمارستان موسوم به خمینی در پیرانشهر بفروشد.

خانواده آگوشی با طی مسافت بسیار طولانی و صرف هزینه های بسیار زیاد عازم شهر زاهدان شدند. آنها وقتی که به درب زندان زاهدان رسیدند خواهان ملاقات با معلم زندانی شدند.

مدت زمان نسبتاً طولانی منتظر ملاقات ماندند و پس از بازرسیهای توهین آمیز و قرار گرفتن در زیر آفتاب شدید به آنها اطلاع داده شد که فقط نیم ساعت می توانند با معلم زندانی ملاقات نمایند. خانواده آگوشی نسبت به مدت زمان کوتاهی که می توانند با عزیز خود ملاقات کنند اعتراض کردند و برای زندانبانان ولی فقیه توضیح دادند که باصرف هزینه های زیاد و طی مسافتی طولانی توانسته اند خود را به زندان زاهدان برسانند. اما زندانبانان حاضر به افزایش مدت ملاقات نشدند.

تلاشهای جمهوری اسلامی برای خنثی نمودن تحریمهای اقتصادی و

اعطای باجهای گزاف به افراد و حاکمان منطقه ای در این راستا!

بدنبال تحریمهای اقتصادی اعمال شده بر جمهوری اسلامی، این رژیم در تکاپوی خنثی نمودن این تحریمها به هر خس و خاشاکی چنگ زده تا راهی برای برون رفت از بحران کنونی بیابد. جنگ و بحران در سوریه و تضعیف بیش از حد حکومت این کشور در کنترل مناطق مختلف سوریه رژیم ایران را بیش از پیش در ترانزیت مواد افیونی پر سود از ایران به اروپا از طریق سوریه و لبنان و از کانال ارتش حمل مواد مخدر یا همانا حزب الله لبنان ناامید نموده است. در همین راستا است که سپاه پاسداران و بخش عملیات برون مرزی آن یا همان نیروی قدس سپاه ماموریت یافته تا از طریق اعطای باجهای گزاف و شرم آور راههای برون رفت از بحران کنونی را بیازماید. به همین منظور بدنبال ارسال روزانه قریب به یک تن شمش طلا به قیمت بسیار نازل به امارات متحده عربی از طریق کردستان عراق و از کانال چند تن از تاجران جواهر آلات شهر سلیمانیه که همگی از اعضای رهبری اتحادیه میهنی هستند و از هر شمش طلا حدود 1500 دلار سود عاید آنها میگردد، سعی در آزمایش دیگر کانالهای منطقه ای دارد و پاسدار سلیمانی بعنوان فرمانده نیروی قدس سپاه ماموریت یافته تا با چنین کانالهایی رابطه برقرار نماید. سلیمانی مزدور بدنبال سفر به سلیمانیه و دیدار با جلال طالبانی به اربیل سفر نمود تا با نخست وزیر حکومت اقلیم کردستان (نچیروان بارزانی) دیدار و گفتگو نماید. شکی نیست که ماهیت تمامی این بحث و گفتگوها چیزی را شامل نمیگردد جز ضعف و درماندگی بی حد و حصر جمهوری اسلامی و هراس آن از ادامه وضع کنونی که می رود تا با ادامه بحران موجود و برافروختن آتش جنگ خارجی طومار آن با قیام مسلحانه عمومی توده ها در هم پیچیده شود. در هراس از چنین واقعیتی است که انواع و اقسام پاسداران رژیم در لباس فرستاده های دیپلمات رژیم در جستجوی راه گریزی برای رژیم میباشند و با سیاست هم به نعل و هم به میخ زدن سعی خواهند کرد تا جای پای خویش را در منطقه کردستان عراق محکم نمایند. از طرفی با رهبران و مسئولین حکومت اقلیم کردستان دیدار و گفتگو دارند و از طرفی با اپوزیسیون آن از قبیل رهبران جنبش تغییر و اتحاد اسلامی ساخت و پاخت میکنند. شکی نیست که در این میان بازنده اصلی مردم ایران و کارگران و زحمتکشانی هستند که میبایست هزینه های گزاف تحریم ها و باج دهی های ننگین رژیم را بدوش بکشند. برای رژیم هیچ اهمیتی ندارد که چنین با ثروت و سامان توده ها معامله نموده و بر سرنوشت آنها حاکم گردد. برای چنین مرتجعین حاکم بر توده ها تنها ادامه حیات ننگینشان حائز اهمیت است و بس! در چنین شرایطی است که توده ها بایستی بپا خاسته و اجازه ندهند که اینچنین ثروت و سامان آنها به تاراج رود و با سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بر سرنوشت و مقدرات خویش حاکم گردیده و در جهت شکوفایی اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جامعه خویش گام بردارند. و این محقق نخواهد گردید جز از طریق اعتصاب سراسری و قیام مسلحانه توده ای.

کمیته کردستان سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

تحریم اقتصادی و شورش های اجتماعی (یدی شیشوانی)

برغم هیاهوی رهبران جمهوری اسلامی مبنی بر بی تاثیر و یا کم تاثیر بودن تحریمات همه جانبه آمریکای کشورهای غربی بر وضعیت اقتصادی و اجتماعی و سیاسی کشور، اما شواهد و قرائن نشان میدهد که اعمال این تحریم ها خیلی زودتر از آن چه که پیشبینی میشد بر حیات اقتصادی و به تبع آن بر اوضاع سیاسی ایران موثر افتاده است و ادعاهای جمهوری اسلامی مبنی بر اینکه گویا چنین تحریمی اقتصاد ایران را قوی تر و سوخت و ساز آنرا مستقل تر خواهد کرد، با واقعیت های اقتصاد ایران خوانائی ندارد. رهبران جمهوری اسلامی از خامنه ای گرفته تا احمدی نژاد البته خیلی زود این ادعا ها را کنار گذاشتند و این بار زمانیکه تاثیر تحریم ها در افزایش تورم ، گرانی کالاهای اساسی و کمبود مایحتاج عمومی ، تعطیلی تعداد زیادی از کارخانجات و مراکز تولیدی ، بیکار سازیهای وسیع ، کاهش شدید ارزش ریال و افت صادرات نفت و غیره خود را نشان داد ، حرف خود را عوض کردند این بار مدعی شدند که ذخایر ارزی ایران در حدی است که بتوانند تا سالها تحریم ها را تحمل کرده و آنرا دور بزنند.

اخیرا نیز با برگزاری اجلاس کشورهای غیرمتعهد مدعی شده اند که طی این اجلاس گویا نزدیک به چهل میلیارد دلار قرارداد بین ایران و برخی کشورهای شرکت کننده در این اجلاس به امضا رسیده است.

روشن است که همه این ادعا ها بدین منظور است که فشار شدید اقتصادی بر روی مردم را کوتاه مدت جلوه داده و آنها را به بهبود اوضاع امیدوار ساخته واز نگرانیها و تاثیرات روانی آن بکاهند. اما در این باره واقعیات آنقدر سرسخت عمل میکنند که جای هیچگونه تحریف و دروغ باقی نمیماند. ادعای سردمداران رژیم بی شباهت به ادعاهای رژیم صدام در اوایل اعمال تحریمات

اقتصادی غرب نیست . در آن زمان نیز صدام ادعا میکرد که تحریم ها بر اقتصاد عراق و وضعیت زندگی مردم کارساز نیست. اما هیچکس بویژه توده های مردم کشورهای همسایه عراق از جمله ایران فراموش نکرده اند که تحریمات اعمال شده از سوی کشورهای امپریالیستی چگونه بتدریج عراق را در وضعیتی قرار داد که در نتیجه ادامه تحریم ها میلیونها نفر از توده های زحمتکش مردم بویژه کودکان در نتیجه بی غذائی و نبود دارو جان خود را از دست دادند ، توده های زحمتکش مردم آنچنان با فلاکت اقتصادی مواجه شدند که اساسا هنگام حمله آمریکا در یک حالت گنجی و سرگردانی به سر میبردند و جنگ و کشتار و تداوم آن تا کنون درست بر زمیننه تحریمات اقتصادی و فلاکت توده های مردم امکان پذیر شد و از درون همین گرد و خاک بود که بعد از اشغال عراق هنگامیکه کمپانیهای آمریکا و کشورهای غربی مشغول تقسیم غنائم شدند ، جریانات ارتجاعی مذهبی نیزسراز خاک سیاه قرون برداشتند و مردم را با چنین سرنوشت دشواری مواجه ساختند ، صد ها هزار کشته ، میلیونها آواره ، ادامه کشتار ، گسترش فساد مرگ و میر، شایع شدن انواع بیماریهای جسمی و روحی و روانی ،انبوه کودکان ناقص، میلیونها زن بیوه بدون کار و درآمد و امکانات زیستی و مشکلات دیگری که به تبع تحریمات اقتصادی و سپس حمله نظامی گریبانگیر توده های زحمتکش مردم عراق شد.

اگر ده سال طول کشید تا تحریمات اقتصادی غرب عراق را از پای در آورد، اما اوضاع اقتصادی رو به وخامت ایران مبین این واقعیت است که تاثیر بخشی تحریم ها بر اقتصاد بیمار ایران به مراتب کوتاه مدت تر خواهد بود. اکنون برای توده های زحمتکش مردم ایران که بار اصلی تحریمات کشورهای امپریالیستی برگرده آنها سنگینی میکند ، دیگر نیازی به تحلیل و توصیف

تاثیرات تحریم ها نیست و ادعاهای توخالی سردمداران رژیم هم اندک باوری را در آنها ایجاد نمیکند. چرا که سررریز هزینه سبد مایحتاج اولیه و خرید های روزمره آنها، خود واقعیت تاثیر بخشی تحریم ها را ملموس تر از آن کرده است که بشود آن را انکار و یا کوچک و بی تاثیر جلوه داد. در این رابطه برخی روزنامه ها و سایت های وابسته به جناح های متعارض رژیم به حقایق دیگری هم اشاره میکنند که تحرکات پشت پرده رژیم و نگرانیهای آنها را بازتاب میدهد. در این تعریف ها و تفسیرها یک واقعیت نمایان است که رژیم را به هراس انداخته است آن هم طاق شدن تحمل توده های مردم و بروز شورشهایی است که میتواند شیرازه رژیم را از هم بپاشاند. اینکه در غیاب طبقه کارگر متشکل و آگاه و توده های زحمتکش سازمان یافته و نیز در شرایط پراکندگی نیروهای چپ انقلابی مدافع منافع توده های مردم ودوری آنها از میدان اصلی مبارزه .. بروز این وقایع کشورهای امپریالیستی را در موقعیت برتری قرار خواهد داد تا اهداف خود را پیگیری کرده و جریانات مورد نظر خود را به جلوی صحنه برانند و به اهداف شان جامه عمل بپوشند ، تغییری در این واقعیت نمیدهد که ادامه تحریمها شورشهای اجتماعی تهدی دستان جامعه و اقتشاری از کارگران و زحمتکشان را محتمل میسازد. در همین رابطه پایگاه خبری وتحلیلی حمران مینویسد « بر اساس گزارش های در اختیار کلمه، یکی از زیرمجموعه های اقتصادی دولت اخیرا گزارش داده که ذخایر ارزی کشور رو به اتمام است و احتمال ناتوانی دولت از پرداخت حقوق کارمندان در ماه های آینده وجود دارد. همزمان بازوی امنیتی دولت نیز درباره احتمال وقوع شورش های اجتماعی در اعتراض به شرایط اقتصادی کشور هشدار داده است. در گزارش محرمانه ای که در کمیسیون اقتصادی هیات دولت طرح شده، از اتمام

ذخایر ارزی کشور در شش ماه آینده سخن به میان آمده است. نرخ واقعی برابری ارزش دلار با ریال نیز در این گزارش، به ازای هر دلار ۶۷۰۰۰ ریال برآورد شده است.

همچنین این گزارش خبر داده که با توجه به افزایش مداوم کسری بودجه دولت، طی سه ماه آینده وزارتخانه ها و دستگاه های دولتی در پرداخت حقوق کارکنان و مجموعه های مرتبط با خود دچار مشکل خواهند شد.

در پی طرح این گزارش در دولت، بخشنامه ای دارای طبقه بندی برای همه زیرمجموعه های دولت و دستگاه های اداری ارسال شده که در آن با طرح احتمال کاهش ۵۰ درصدی حقوق و دستمزد ماهانه کارمندان در صورت تداوم وضعیت کنونی، از بالاترین مقام مسئول هر دستگاه خواسته شده تدابیر لازم را جهت پیشگیری از وقوع هرگونه نارضایتی در میان کارمندان و کارکنان آن دستگاه مربوطه پیش بینی کند.

بر اساس گزارش رسیده به کلمه، در شماره اخیر بولتن محرمانه وزارت اطلاعات نیز با اشاره تلویحی به این شرایط دشوار اقتصادی، از احتمال بروز شورش گرسنگان به ویژه در حاشیه شهرهای بزرگ کشور سخن به میان آمده است

«درز این گزارشات از مراکز اصلی تصمیم گیری و سیاست گذاری های کلان جمهوری اسلامی گرچه ممکن است با اغراق گوییهائی چاشنی خورده باشد اما واقعیتی را درخود مستور دارد که نمیتوان آن را نادیده گرفت. آن هم واقعیت تاثیر تداوم تحریمها، تشدید روزافزون وخامت اقتصادی و گسترش فلاکت اقتصادی از سطح محروم ترین اقشار اجتماعی تا بخش ها ولایه های وسیعتری از کارگران، کارمندان، کسبه جز و احتمال شورشهای اجتماعی درچشم انداز آینده است. این که این شورشهای توده ای باسرکوب شدید و بی

رحمانه دستگاه های انتظامی و امنیتی رژیم مواجه خواهند شد و اینکه دول غربی درراس آنها امپریالیسم افسارگسیخته آمریکا شورشهای توده ای وسرکوب آنرا مستمسکی برای پیاده کردن اهداف جهانخوارانه خود مورد استفاده قرارخواهد داد و ازخون های ریخته شده مجوزی برای ساماندهی دارو دسته های خود بدست خواهد آورد تا کارناتمام رژیم ددمنش جمهوری اسلامی و طبقه حاکم را تمام و جنبش های اجتماعی را از مسیر رشد و گسترش و ارتقای آن درراه رسیدن به آزادی و عدالت اجتماعی به منجلا ب جنگ داخلی و حکومت های دست نشانده خود منحرف سازد، همه بستگی به این دارد که آیا نیروهای انقلابی موجود، افراد و شخصیت های انقلابی و کمونیست، کارگران پیشرو و رهبران عملی جنبش کارگری و کلیه فعالین جنبشهای اجتماعی درداخل و خارج کشور اوضاع حساس کنونی رادرخواهند یافت؟ و ازخواب سنگین و طولانی مدت روزمرگی و دنباله روی ازسیر حوادث بیدار خواهند شد و از حصارى که گذشت روزگار و شرایط تاریخی و وقایع ریز ودرشت، اجتماعی، سیاسی و محیط زیستی سی سال گذشته برودر آنها تنیده است، به درخواهند آمد و این واقعیت رادر نظرخواهند گرفت که تئوری ها بدون عمل کاغذ پاره ای بیش نیستند؟

اعدام 8 تن در زندان قزل حصار بامداد چهارشنبه 5 مهر حکم اعدام دستکم 8 زندانی محبوس در زندان قزل حصار در محوطه این زندان به اجرا در آمد.

بنا به گزارش هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، مهرداد سلیمی، حسین مرادی، رضا روزبهانی، جهانشاد گراوند، جعفر حقی، علی هدایت، منوچهر زنگنه، اصغر سرلک، از جمله زندانیانی هستند که جهت اجرای حکم به اجرای احکام اوین فراخوانده شدند اما به دلیل حضور خبرنگاران در مقابل زندان اوین زندانیان فوق الذکر در محوطه زندان قزل حصار اعدام شدند.

بر اساس گزارشات تائید نشده یک زندانی دیگر به نام امیر سلیمی نیز جهت اجرای حکم فراخوانده شده بود که به دلیل وخامت حال جسمی احتمال می رود اعدام نشده باشد اما با گذشت ۲۴ ساعت نامبرده به بند بازنگشته است.

اجرای حکم ۸ زندانی مورد تائید قرار گرفته و پیکر این افراد نیز صبح همان روز تحویل خانواده ها شده است اما از اتهام این زندانیان اطلاع دقیقی در دست نیست. گفتنی است کلیه این زندانیان در سالن ۲ و ۳ و واحد ۲ زندان قزل حصار محبوس بوده اند.

هم چنین بر اساس گزارش منابع زندان ۱۸ تن دیگر از زندانیان محبوس در قزل حصار در روزهای آینده اعدام خواهند شد.

جمهوری فدراتیو شورایی ایران . اجتماع آزاد

وسویالیستی کلیه کارگران و زحمتکشان ایران است و تمامی قدرت در آن به مردم متشکل در شوراهای شهر و روستا تعلق دارد .

در جمهوری فدراتیو شورایی ایران . مرجعیت با اکثریت مردم یعنی کارگران و زحمتکشان است . دولت شورایی تجلی عینی اراده آنان محسوب می شود .

مباحث پیش کنگره ششم

گزارشی از وضعیت جهان . بحران سرمایه داری جهانی

- در سال 2008 بحران غذایی که شمار گرسنگان جهانی را از 850 میلیون به بیش از یک میلیارد رسانید، موج اعتراضات میلیونی را در بیشتر از 15 کشور بدنبال خود داشت که به شورش گرسنگان معروف شد.

- کشورهای عضو جی 7 عملاً ناتوان از یافتن راه حلی برای بحران جهانی در جلسه جی 20 تورنتو در کنار کشورهای بحران زده، حول یافتن کم هزینه ترین و کوتاهترین راه برون رفت از گرداب بحراب اقتصادی و مالی چاره اندیشی کنند. وعده هایی که این جلسه با آن خاتمه یافت از این جمله بود:

- بازسازی سیستم سرمایه داری بمنظور پیشگیری از بحرانهای آتی

- جمع و جور کردن سیستم مالی جهانی از طریق کنترل و نظام مند کردن امنیتهای مالیاتی و فعل و انفعالات بانکها و بخش تجاری

- مهمتر از همه اصلاح بانک جهانی و صندوق بین المللی که به کشورهای در حال رشد امکان دخالتگری داده شود.

با اینهمه در تحلیلهای نهایی هیچکدام این موضوعات به واقعیت نپیوست و بزودی به فراموشی سپرده شد و عملاً راه را برای تشدید سیاستهای نئولیبرالی بازتر کردند.

بطور مثال در سال 2010 یونان و ایرلند و سال بعد پرتغال از لحاظ مالی ورشکسته شدند. بحران در این کشورهای صنعتی شدت سرمایه داری را نگران کرد که با ترکیدن حباب و ذوب شدن سراب سرمایه داری، تناقضات حل نشدنی این سیستم آنرا به ورطه انقلابات کارگری در سطح جهانی بکشاند. برای مقابله با این پتانسیل انقلابی بسیار قوی، آمریکا و کمیسیون اروپا با تز شوک به میدان آمدند. در سالهای 2010 و 2011 بطرز وحشیانه ای به تنم آنچه که با مبارزات کارگری و توده ای بعنوان حقوق اجتماعی و کاری بدست آمده بود مورد هجوم قرار گرفت. بجای آدابیت سیاستهایی که به تحرک اقتصادی بیشتری کمک میکرد و اعمال قوانین شدید بر بانکها، کمیسیون اروپا و دولتهای محلی طرح تشدید سیاستهای ریاضت اقتصادی را تصویب کردند. که بنوبه خود هم تقاضا برای کالا را پایین آورد و هم به رکود فعالیتهای اقتصادی انجامید. بسته های نجات که از

گذشته تا کنون است که خواهان یک زندگی شایسته و برابر و عادلانه بوده اند.

طبیعتاً توده های مردم هیچ زمانی به اندازه سال گذشته تابحال آمادگی تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی را نداشته اند. برجسته ترین تعبیر این گرایش به تغییر اساسی را در تظاهرات میلیونی مردم یونان و کارگران و بیسکانسن آمریکا میشود مشاهده کرد. جنبش اشغال هم سال گذشته بر متن تمامی این ناهنجاریهای اجتماعی جوانه زد با مضمون به چالش کشیدن سیطره کورپراتیوها و سیستم فقرآفرین کاپیتالیسم که بسرعت هم ابعادی جهانی بخود گرفت.

سرمایه داری تلاش کرده است که این توده های انقلابی را متقاعد کند که چاره ای دیگر غیر از تحمل این جهنم سیاهی که سیادت اقلیت یک درصدی ها تقدیرشان کرده، ندارند، همان گفته معروف تاچر که فلسفه فرموله کردن سیاستهای نئولیبرالیستی سرمایه داری بود: " الטרناٹیو دیگری موجود نیست ". آنچه ما در حقیقت شاهد آن بودیم نه عقب نشینی سرمایه داری بلکه سرکوب گسترده این انقلابات توسط نماینده های سیاسی در قدرتش، چه بلاواسطه و مستقیم و چه از طریق ایجاد یک ستون پنجمی از ارتجاع و ضد انقلاب محلی و مسلح کردن آنان برای خلع سلاح گرایش انقلابی این شورشها.

خلاصه تلاش سرمایه داری که بی شرمانه از هر وسیله ای برای بعقب راندن انقلاب مردم استفاده کرد، قبولاندن این اعتقاد که راهی خارج از چارچوب سیاستها و قانونمندیهای سرمایه داری جهت فائق شدن به این فلاکت وجود ندارد. آنچه که در اکثریت این کشورهای بحران زده ما می بینیم دوره های دیگر از تحمیل فشارهای اقتصادی-مالی از طریق پیشبرد سیاستهای نئولیبرالیزه کردن هر چه بیشتر اقتصاد، بر طبقه کارگر و اقشار تحتانی جامعه بوده است.

سیاست ریاضت اقتصادی

در چند سال اخیر در سراسر دنیا ما شاهد تظاهرات میلیونها کارگر و زحمتکش و زن و مرد جوان معترض به فجایع سرمایه داری بودیم که خود به جنبشهای مختلف اما عظیمی حیات داد. اجلاس و سمینارهای متعددی در این فاصله از طرف تصمیم گیرنده ها و نماینده های سیاسی بورژوازی هم تشکیل شد تا راه برون رفتی از این منجلاب بحرانی برای خود پیدا کنند. بسته های نجات، پذیرش کفالت بانکها و موسسات ورشکسته از طرف دولتها، اخذ وامهای سنگین و ... در حکم چسب زخمهایی بود که برای درمان عفونت مالی-اقتصادی عمیق در نظر گرفته شد که هزینه همان را هم توده هایی که آوار این بحران بر سرشان خراب شده بود باید می پرداختند. سرمایه داری جهانی با همه اینها هنوز هم تا خرخره غرق عواقب این بحران و عواقب بسیار شوم آن است.

پیامدهای هولناک این بحران عموماً در اشکال مشابهی در دنیا منعکس شده است:

- موج عظیم بیکاری و اشتغال زدایی
- زدن بیمه های اجتماعی
- پایین آوردن دستمزدها
- کاهش خدمات و سرویسهای اجتماعی
- افزایش فزاینده قیمت کالاهای ضروری
- سختگیرهای بانکی در دادن وامهای اضطراری به مردم
- از دست دادن خانه و مسکن میلیونها شهروند زحمتکش دنیا از آمریکا گرفته تا مجارستان و اکرائین و ایرلند
- نتیجتاً قدرت خرید و سطح درآمدهای مردم بشدت سقوط کرده و میلیونها نفر بسرعت در کام فقر و تهیدستی فرو رفتند. ما شاهد انقلابات و امواج اعتراضات عمومی و تظاهرات خیابانی این جمعیت میلیونی بودیم که آرامش بهشت جهانی سرمایه دارها را بر آشفندند به دادخواهی خود به خیابانها ریختند. این خصیصه تمام شورشها و انقلابات سال

وامهای سنگین تامین شده بودند از جیب مردم پرداخته شد که بدنبال آن بدهی عمومی که بسیار کمتر از بدهی هایی بود که بخش خصوصی داشت، افزایش پیدا کرد. مردم بسیاری در مجارستان، اسپانیا و ایرلند خانه هایشان را از دست دادند. در یونان از هر 5 نفر یک نفر بیکار شد و در پروسه این بحران طبق آمار رسمی مقامات یونانی سطح دستمزدها کاهشی بیش از 26% داشته با اینکه سطح قبلی دستمزدها از همان اول هم بسیار پایین بود. طبقه کارگر تقریباً 50% درآمد سه چهار سال آینده اش را از دست داد. وضعیت وخیم معیشتی برای طبقه کارگر یونان فقط بخاطر کاهش دستمزدها و بیمه های بازنشستگی نبوده بلکه کاهش سنگین خدمات اجتماعی شرایط را غیر قابل تحمل کرده بود. در واقع دستورالعملی که توسط بیشتر این کشورهای بحران زده دنبال شده است چگونه و به نحوی این هزینه هایی که مورد هدف ریاضت اقتصادی بود بر دوش مردم سرشکن کرد و در عین حال انقلاب آنان را بعقب راند. دو سوم این کاهشها به بخش خدمات عمومی و یک سوم آن اختصاص به افزایش مالیاتها داشت. در ضمن کمپینهای انتخاباتی احزاب رنگارنگ و جناحهای مختلف خود سرمایه داری امر به انحراف بردن انقلاب مردم و آلترناتیو سازی همراه با سرکوب شدید توده های معترض و بویژه آن بخشی که نمی خواست تن به این هیپوکراسی آشکار دهد. در یونان، ویسکانسن و پاریس و تمام کشورهای عرب و شمال آفریقا اینرا بوضوح شاهد بودیم که پلیس و ارتش سرمایه با بالاترین تجهیزات تکنیکی و جنگی چگونه وحشیانه به صفوف انقلابیون حمله ور شدند.

در کنار تمام اینها امر خصوصی سازی های عظیم از هر آنچه که برای خصوص سازی بجا مانده بود همچنان پیش برده میشود. حملات زیادی بر روی دستمزد بخش دولتی، حقوق بازنشستگی و حقوق بیکاری، اختیارات و اتوریتته اتحادیه های کارگری در رابطه با کنترات و قراردادهای کاری و دهها کاهش ریز و درشت دیگر در دستور کار این ریاضتها قرار گرفت. این حملات در کشورهای بحران زده ابعاد وسیعتری دارد، به ویژه در بسیاری از کشورهای بحران زده، مثلاً: سطح

دستمزده های بخش دولتی از 5% در اسپانیا گرفته تا 40% در کشورهای بالکان کاهش یافته است.

توتالیتاریسمی که در کشورهای عرب و شمال آفریقا قرار داشت در حکم بشکه باروتی بود که در آن موقعیت وخیم اقتصادی هر اتفاقی ممکن بود آن را به انفجار کشاند و همینطور هم شد. در مصر که از نیمه دوم دهه 2000 شاهد صدها اعتصاب و تظاهرات کارگران ریسندگی بودیم شرایط را بیش از پیش مستعد انقلاب کرده بود. تونس یکپارچه بلند شد در اعتراض به سبوعیت پلیس و در مدتی کم میلیونها نفر در مصر و لیبی و مراکش و یمن و بحرین و سوریه و دیگر کشورهای همجوار خانه شیشه ای دیکتاتورهای محلی را بر سرشان فرو ریختند. هیچکدام این مردم بر متن اختلافات و تمایزات قبیله ای و مذهبی به خیابانها نریختند اگرچه وجود این تمایزات ابزاری جهت عقب راندن انقلاب توده ها و متوقف کردن پروسه رایکالیزاسیون آن توسر سرمایه داری جهانی با هدایت آمریکا و ناتو بود که قدرت سیاسی را به نماینده قبایل دیگر و احزاب مذهبی اعطا کردند. آنچه که این انقلابات و جنبشها برجستگی پیدا میکند نه تمکین به وعده های بازهم بیشتر بورژوازی بر صبر پیشه کردن تن دادن به آن فلاکت تا در آینده ای نامعلوم بازار کار بهبود یابد و استانداردهای کاری - معیشتی بالا رود، بلکه مطالبه یک سیستم عادلانه اقتصادی و آزادی سیاسی بود. مردم در همه جای دنیا واضح و آشکار فریاد زدند که دیگر تحمل این فقر و بی خانمانی را ندارند.

ویژگی ای که این جنبشهای اخیر آنرا از هر اعتراض دوره های پیش جدا میکند واکنش های جهانی در قبال قیامهای غیر محلیست و اشکال نوینی که بخصوص بخش جوان این جنبشها با آن به مبارزه با نظام سرمایه داری برخاسته اند. انقلاب انفورماتیک استفاده بلادرنگ و فوری را از تجارب مبارزاتی هر جنبشی در دنیا فراهم کرده است. یکی از حسنهای این وسایل تکنیکی آدایته کردن آزادان تجارب و یا الگوبرداری از آن است که خود میتواند به شعار انترناسونالیستی کارگران جهان متحد شوید، مضمونی واقعی با ابزارهای کمابیش واحد برای انقلاب کردن تجسمی واقعی دهد.

جنبش اشغال یکی از این ادایته های آزاد ار تجارب انقلابیون میدان تحریر مصر بود فارغ از نقیصی که دارد بخاطر ظرفیت و پتانسیلی که در یکپارچه کردن جنبشهای ریز و درشت رادر دل خود دارد میتواند به شکلی عظیم و جهانی از انقلاب توده های جهانی حیات ممکن و شدنی ای بدهد. این جنبش اگرچه بخاطر آن نقیص که یکی از آن تاکتیکهای کور و سردرگمی است ولی در حکم شیپور انقلاب میتواند میلیونها فعال انقلابی را به انقلاب و اعتراض خیابانی بکشاند و هم اجازه ندهد که آتش انقلاب فرو نشیند. ولی بتنهایی قادر نیست کارخانه ای را بخواباند و کالاهایی را صادره کند و تاسیساتی را تسخیر کند. آن خاکریزهای مهمی که در هر انقلابی پروسه سقوط قدرت سیاسی حاکم را ممکن میکند و ارگانها و نهادهای قدرتش را بدست میگیرد و امر سیادت انقلابی خود را خاکریز به خاکریز به آخر میرساند، مستلزم داشتن تاکتیکهای انقلابی و سازماندهی منسجم با اراده طبقاتی کارگران و زحمتکشات جامعه است و جنبش اشغال که بویژه سعی میکند که یک ظرف واحد از تمام جنبشهای اجتماعی باشد ولی از داشتن سازمانی که طرح آینده و پروژه تسخیر قدرت سیاسی را خاکریز به خاکریز طراحی و هدایت کند آگاهانه دوری میکند و با آن مرزبندی شفاف دارد. بنابراین ضمن بُرد تبلیغی بسیار گسترده و نیروی عظیمی که در جذب و جلب بخصوص نیروهای جوان دارد باید مورد حمایت وسیع و همکاری و مساعدت در برپایی تظاهرات و تحصنهایشان داشت و همزمان کار سازماندهی توده ای و طبقاتی را با جدیت همیشگی پیش برد.

دورنمای آینده بحران

بحران اقتصادی بشکل خامتری در بحرانهای سیاسی ترجمه شد که بطور کلی سیستم جهانی سرمایه را دچار یک زمین لرزه سیاسی کرد که برجسته ترین تجلی آن را در شمال آفریقا و کشورهای عربی دیدیم. این وخامت که تا اندازه ای واکنش سیاسی نسبت به آن در آمریکا و اروپا کنترل شده ولی به معنای پایان و ترمیم این جراحت سرمایه داری نیست بلکه همان جوامع بحرانزده و دیگر کشورهایایی که ظاهراً به آن درجه از وخامت نبودند آستن سلسه اغتشاشات و

شورشهای کارگری خواهد بود. بحران سیاسی در درون خود نماینده های سیاسی در قدرت، بخوبی مبین وخامت اوضاع واقعی اقتصادی-مالی شان است.

« انقلابات و جنبش اجتماعی اخیر که لایه فعال جامعه را در کنار مبارزات کارگری و اعتراضات خودبخودی بسیج کرد مثل انقلابات بهار عرب و جنبش سال 88 ایران و جنبش اشغال، همزمان به نسل جدید با اعتماد بنفس بالایی حیات داد و در صفوف مبارزه آرایش داد که هسته های خیزشهای آتی و پروسه رادیکالیزاسیون انقلابی فرا روی مبارزات آینده هستند. اعتصابات و تظاهراتی که در آینده در شرف وقوع هستند و آماده سازی هایی که مثلا در کارگران اوکلند آمریکا برای اعتصابات در چند ماهه آینده و بستن بنادر متعددی، در گرایش جنبش اشغال به مجهز شدن نظامی و رشد این رویکرد برای مقابله با پلیس هار آمریکا خود گواه این پروسه رادیکالیزاسیون و انعطاف یابی این جنبش با عرصه های عمده رویارویی طبقاتی متجلی میشود.

« در حال حاضر چشم اندازها بر گسترش بحران مچرخد که اروپا و چین را در خود فرو خواهد برد که دنیا را در تهدید یک دوره جدید رکود اقتصادی قرار خواهد داد که این بهبودی نسبی اقتصادی در آمریکا را واروانه خواهد کرد. این رکود اقتصادی مجدد طبیعتا به تنشهای طبقاتی شدیدتری پا میدهد

در چشم انداز بحران اقتصادی در حال حاضر چه این سیستم اقتصادی فروریزد یا جانی جانی مجدد گیرد، تجارب سال گذشته آموزه های زیادی برای فعالین و جوانان و خود طبقه کارگر بجای گذاشته و پایه های یک جنگ تمام عیار طبقاتی را بشکل گسترده اش ایجاد کرده است.

«تحت چنین شرایطی، تنها راه گریز از این مخمصه اقتصادی-سیاسی و قدرت در کنترل مجدد اوضاع، ضعف واقعی سازمان ها و نهادهای کارگری و بویژه بخش رهبری و پیشتانز آن است.

« بموازات خشم طبقاتی در بیشتر نقاط دنیا، همسویی و جاذبه برای ایده های سوسیالیستی نیز در حال افزایش است. نیمی از جوانان در سنین 18-29 در آمریکا و اروپا به سوسیالیسم با تعبیری مثبت می نگرند و در ایران و بقیه خاورمیانه اکثریت این جوانان علیرغم

ارتجاع مذهبی و فشار فرهنگ گسترده اسلامی، بشدت از مذهب و تجلیات اجتماعی آن بیزارند و بسیار از اینان خود را در کنار سوسیالیستها عدالت طلب و برابری خواه تعریف می کنند. اگرچه درک و تعبیر بیشتر این جوانان یا یک اکستریم از حکومت کارگری بمعنای دیکتاتوری استالین مآبانه و یا یک راست ضد انقلابی و سازش طبقاتی در قاموس سوسیال-دموکراسی می باشد. روشنگری در مورد مترادف دانستن حکومت کارگری و یا دیکتاتوری طبقاتی با دوره استالین و جامعه چین شاید مستلزم صرف بیشترین انرژی از جانب کمونیستها جهت ابهامزدایی از سوسیالیسم انقلابی و حکومت کارگری واقعی است.

« حتی اگر بخشهایی از اقتصاد به رشد بیمارگونه ای ادامه دهند،

کاهش بودجه، اخراج، سلب حق مالکیت، و نابرابری فزاینده نیز به رشد خود نیز ادامه خواهد داد و برای طبقه کارگر وضعیت همان است که بود و حتی شاق تر و فلاکت بارتر.

وظایف بلادرنگ پیشرو جنبش چپ

اولین و حتی خامترین ارزیابی از اوضاع کنونی باید بر این مضمون مبارزاتی سوار گردیده باشد که طبقه کارگر باید به کل ابعاد سرمایه داری معترض باشد و در راس آن نماینده های در قدرت آن و سیاستگذاران رسمی اش.

بیشتر از سی سال است که جنبش کارگری با حمله های بیرحمانه کورپراتیوها، نماینده های سیاسی و گرایش های راست برژوایی، به حقوق و جنبشش روبرو بوده است و نه کمتر بلکه با پدیدار شدن هر بحران و رکودی وحشیانه تر گشته است و همواره از طبقه کارگر و مدافعین چپش انتظار میرفته است که از خواسته و مطالباتشان پایین تر بیایند. شرایط بحرانی هم همچون چماقی برای سرکوب دستاوردهای جنبش کارگری در دستان گرایشات راست و خود سرمایه داری در خدمت توجیه بورش به آخرین لقمه نان این طبقه بکار رفته است. این شرایط بحرانی همانقدر که به اعتراضات و اعتصابات اجتماعی جان داده است به همان اندازه هم زمین باروری برای گرایشات سوپر راست بورژوازی، حرکت های زهرآگین راسیستی و حمله

های وحشیانه به کارگران و انتظارات غیر واقعی! شان بوده است. استثمار بیحد و حصر سرمایه داری از اکثریت جامعه موضوعیست به قدمت خود سرمایه داری ولی تمرکز کنونی برای بسیج طبقاتی باید بر یافتن این اشکال نوین مقاومت جهانیت که حائز اهمیت است. بهار عرب که هم الهام بخش جنبش اشغال شد و هم خود تحت تاثیر این جنبش گسترده گشت بر مبنای همین مضمونی که در بالا اشاره گردید عمومی شد. مطالبات اقتصادی نمی تواند از مطالبات سیاسی متمایز باشد. باید به کل ای سیستم معترض شد. این همان مضمونی ست که هم در یونان و اسپانیا هم در کشورهای عرب و افریقایی و هم در آمریکا ما شاهد بودیم. نه خواهان درصدی از خواسته ها بلکه نه به کل این سیستم ضد بشری است که می تواند امید آفرین باشد.

اقدام اولیه برای ملی کردن تاسیسات بزرگ و سیستم بانکی کمترین انتظاری است که طبقه سرکوب شده از هر قدرت و دولتی دارد. تنها در صورت کنترل دموکراتیک کارگری افسار گسیختگی سرمایه در تمام ابعاد اقتصادی اش میتواند راه را برای تحول بیشتر تکنولوژی که ساعات کاری کمتر کرده و به توزیع عادلانه تر ثروت کمک کند. افزایش دستمزدها، تامین نیازهای درمانی - آموزشی و تسهیلات جابجایی و حمل و نقل عمومی بطور رایگان، اشتغال آفرینی و فراهم کردن خدمات عمومی و به ارتقاء استانداردهای زیستی کمک خواهد کرد و شرایط را برای بسیج طبقاتی و سازماندهی طبقه کارگر برای به ثمر رساندن انقلاب سوسیالیستی اش آماده خواهد کرد.

در متن تعمیق هر چه بیشتر بحران و فرایندهای انقلاب و ضد انقلاب در سراسر جهان، طیف گسترده چپ میتواند در سیر رادیکالیزه کردن اعتراضات و گسترش ایده های سوسیالیستی دخالت فعالتر و رشد سریعی داشته باشد. اما پراکندگی نیروهای جنبش چپ بزرگترین نقصان و حتی مانع تاثیرگذاری موثر آن در این پروسه است. خلاء سیاسی چپ فضا را برای قدرتگیری ضد انقلاب و گرایشات راست بیشتر بارور میکند.

ما با یک وظیفه تاریخی مواجه شده ایم. تجربه ای که از جنبش سال 88 ایران و جنبشهای بزرگ و کوچکی که از آمریکا

شمالی و اروپا و شمال افریقا و بویژه خاور میانه که برای ما بجا مانده است نه علیرغم تبلیغات میدیا در ویزگی دادن به اختلافات مذهبی و تمایزات قبیله ای (مثلا در لیبی و سوریه) بلکه در منافع طبقاتی و مطالبات طبقاتی شان بود. میلیونها کارگر و زحمتکشی که در خیابانهای تونس و مراکش و ویسکانسن و آتن و مادرید چه با پرچم مستقل طبقاتی شان و چه همبسته با خیل میلیونها توده فقیر و زحمتکش از اقتشار پابینی خرده بورژوا به خیابانها ریختند و خواهان یک زندگی بهتر و انسانی تر شدند نه مقامات مذهبی را در قدرت بلکه آنان را بعنوان نمایندگان طبقه یک درصدی ها به چالش می کشیدند. اینان حقوقی برابر و اجتماعی عادلانه و حق برخورداری از تمام موهبتات و تسهیلاتی که خود بدستان خود آفریده اند بودند. میلیونها نفر در سراسر دنیا از سال 2008 تابحال در کارخانه و خیابان به تمام مظاهر ضد انسانی سیستم سرمایه داری به اعتراض در آمده اند؛ اگر اینها تجلی جاذبه جدیدی به سوسیالیسم و پاسخگویی اش به اینهمه نکبت و پلیدی سرمایه داری نیست طبعا بخود دروغ گفته ایم. این جاذبه و علاقه جدید - که در میدیای غرب در استعاره رایج " شبخ مارکس بر فراز اعتراضات یکپارچه جهانی" خود را توضیح میدهد- که جلوه های آن بویژه در جنبش جوانان و جنبش اشغال بیشتر بچشم میخورد بر محدودیت ها و ظرفیتهای کم ما در بیسج توده ای و سازماندهی مبارزات جنبشها و حتی پراکندگی ما می چربد. بنابراین مشارکت فعال در امر همگرایی و تلاش برای ایجاد یک سازمان قویتر توده ای و یک تشکیلات آوانگارد یک موضوع جدی در فعالیتهای مبارزاتیمان بشمار می آید. با این شرایط وخامت بار اقتصاد سرمایه و سرکوبهای وحشیانه نماینده های در قدرتش، جدیت و خلاقیت ما نیاز میرمتری خواهد داشت تا بتوانیم در آپتیموم ظرفیت هایمان امر تحکیم و بسط فعالیتهای مبارزاتمان و شیوه های نوین در بیسج کردن توده ای را به روز کنیم. در کنار بازسازی تشکیلاتهای خودی جنبش نیاز دارد که به همان قدرت در بازسازی سازمان های توده ای طبقه کارگر بکوشد و این به نوبه خود مستلزم اعتماد آفرینی و ارتباط سیستماتیک با طبقه کارگر، مطالباتش و رهبرانش و بطور کلی جنبش اش است.

دیالوگ خلاق و پویا در درون جنبش چپ یکی از ابزارهایی است که این سمت و سوی مبارزاتی را به واقعیت نزدیکتر می کند. مبارزه ایدئولوژیک از طریق این دیالوگهای رفیقانه نه باعث فاصله و تکروری بلکه زمینه ساز ائتلافها، اتحادها و همکاری های مبارزاتی و دستیابی به یک تجزیه و تحلیل درست تر از اوضاع سیاسی- اقتصادی و نتیجتا طراحی تاکتیکها و چه باید کردهای واقعی خواهد شد. استفاده صحیح از فرصتهای جدید سیاسی در آینده بخوبی میتواند چپ را از حاشیه ماندن به آلترناتیو توده ای تبدیل کند.

اقتشار وسیعتری از طبقه میانه و متوسط جامعه را دارد بدامن تهیدستی و آوارگی وسعتی سوق میدهد و تنها مقاومت واقعی در مقابل این پروسه، رویارویی طبقاتی زحمتکشان و نیروهای رادیکال چپ است که توازن قدرت را بنفع رادیکالیزه کردن مبارزه بهم بزند. فقط در صورتی جنبش های کارگری و اجتماعی به آن اندازه قوی باشند که برای نظم موجود اقتصادی تهدیدی محسوب شوند آنوقت است که این دولتها مجبور به عقب نشینی های اقتصادی - سیاسی خواهند شد. اقدامات سیاسی جنبش چپ در این راستا باید باشد که با ایجاد یک جبهه قوی از چپ در کنار جنبش کارگری، دستاورد از خود گذشتگی توده های مبارز و به میدان آمده را از دستبرد احزاب راست و گرایشهای ارتجاعی و ضد انقلابی محافظت کرده و به ظفرمندی این مبارزات کمک کرده باشد. ما نیاز داریم که ضریب مبارزاتی مان را هر چه بیشتر بالا برده و به خرده کاری و پراکندگی مبارزاتیمان که پاشنه آشیل این جنبش در مقابل تلاش ارتجاع و نیروهای پرو غرب هستند پایان داده و جسارت هدایت انقلاب آینده را بشکل واقعی اش در دستور کار سیاسی مان بگذاریم.

نکاتی را که باید در نظر داشت:

« شکاف عمیقی که بخش رادیکال چپ با جنبش کارگری دارد می تواند امکانات و فرصت های مبارزاتی و پتانسیل عظیمی را که درون این جنبش وجود دارد را از دست دهد. در صورت عدم وجود یک آلترناتیو واقعی سوسیالیستی، نیروهای دیگر اپوزیسیون از جمله احزاب رنگارنگ راست این خلاء را پر

کرده و کمپینهای انتخاباتی شان را حول روایتی رنگ و رو رفته از مطالبات و خواسته های توده مردم به آسهای برنده ای در گرفتن کرسی های بیشتری تبدیل کنند. مثلا بدنبال جذابیت و محبوب شدن جنبش اشغال بویژه در آمریکا و بویژه در بین جوانان خشمگین، بخشی از کمپینهای دمکراتها و اوباما در جلب این جنبش یا دستکم بخش تشکیل شده از فعالین سیاهپوست آن است یعنی " آکیوپای ده هوود" یا اشغال محله، که بین یک درصدها و 99 درصدی ها دیالوگ ایجاد کنند که هم استفاده کمپینی و تبلیغاتی بمنظور جذب رای بیشتر کنند و هم شعله خشم این جنبش را فرو نشانند.

« سرنوشت جنبش کارگری سرنوشت تمامی این جنبش های اجتماعی و بقیه آحاد مردم را رقم میزند.

استخوانبندی تمام این مبارزات و مقاومتها را جنبش طبقه کارگر تشکیل داده است. از سلسله اعتصابات کارگری گرفته تا تظاهرات میلیونی خیابانی. جنبش جوانان در یونان، انگلیس، فرانسه، مصر، ایران سال 88 و در حال حاضر در ایالت کبک کانادا و دیگر کشورهای دنیا. طبعا ادامه حیات و یا مثمر ثمر بودن هر جنبش دیگر اجتماعی و غیر کارگری مجبور است در ارتباط ارگانیک و حقیق با طبقه کارگر قرار گیرد. طرح هر تاکتیک و سیاست مبارزاتی خارج از ساز و کارهای مبارزاتی این طبقه مهر شکست و یا سازش را بر خود زده است. چه ما از کندی و صبوری بخشی از این طبقه در مقابل حوادث و مصیبتهای سیاسی- اقتصادی به تنگ آمده باشیم یا نه، بدون حضور فعال و ابتکار مبارزاتی این طبقه آرزوی هر موفقیتی با هر سطحی یک خیال موهوم است. جنبش جوانان و دانشجویان بیشک در شکستن فضای سیاه دیکتاتوری بسیار قابل توجه و ضروری است ولی بتهایی نمی تواند باعث تغییرات بنیادی در ساختار سیاسی شوند.

« طبعا موانع زیادی در مسیر ارتباط منطقی جنبش چپ انقلابی با جنبش طبقه کارگر وجود دارد که خود یکی از بزرگترین دلایلی است که جنبش چپ بیشتر به کف زن و ستایشگر مبارزات کارگری بدل شده است تا اینکه خود در آن نقش موثری داشته باشد. طبقه کارگر

اجتماعی در اشکال گوناگون در این شرایط ضرورتی مبرم است.

... چشم انداز جنگ در ایران ...

کوتاه آمدن چین و روسیه و مایوس شدن از نجات اسد هم ایران را در موقعیت منزلی قرار خواهد داد هم متقابلاً شرایط برای حمله به ایران را مساعدتر میکند.

المنت دیگری که میتواند شرایط را به نفع سیاستهای نظامی آمریکا تغییر جهت دهد؛ تحولات سیاسی در جنبش انقلابی در ایران و برآمدهای نهائیدر اوضاع خود سوریه است. در اینصورت آمریکا عاجلانه در صدد انحراف این جنبشها و در دست گرفتن سکان هدایت آنست.

چپ انقلابی باید بیشتر از همیشه تلاشهای ارتجاعی اپوزیسیون پرو غرب را افشاء کرده که این بنوبه خود نمی تواند بدون ارتقاء ظرفیتهای انقلابی و رادیکالیزه کردن مطالبات و توقعات سیاسی اجتماعی توده های زحمتکش میسر شود. باید هر چه بیشتر بر خواست " نه به جنگ"، و " نه به محاصره اقتصادی" بر براندازی سیستم گنبدیده و سود-محور سرمایه داری و آزادی واقعی و عدالت اجتماعی تاکید کرد و اپوزیسیون راست را با اهداف ضد انقلابی و ناتوانی اش در پاسخ دادن به مطالبات مردم به حاشیه راند و نشان داد که اهداف واقعیشان با مطالبات انقلابی توده ها در هیچ سطحی نه همسو بوده و نه در ظرفیت طبقاتی شان است که بتوانند این انتظارات را جواب دهند.

پراتیک مبارزاتی که بتواند به مبارزه طبقه کارگر جوش بخورد رنج می برند. دیکتاتوری و سرکوب یکی از دلایل عمده آنست ولی نبود ابزارها و عناصر و تسهیلاتی که بتواند سرعت و کار سازتر در مقابل مسائل سیاسی و دغدغه های مبارزاتی عکس العمل نشان دهد جنبش چپ را در شرایط عقیمی از لحاظ سیاسی قرار داده است. یکی از حیاتی ترین راه برون رفت از این بیحاصلی مبارزاتی از نقطه نظر پیوند با طبقه کارگر (جنبش چپ در یکپارچه کردن تلاشش در ایجاد این پیوند و بالا بردن ضریب مبارزتی اش است.

تلاش در جهت ایجاد یک همبستگی مشترک مستلزم بسیج گسترده طبقاتی در جهت تغییر موازنه قدرت است. اگر جنبش کارگری در کنار دیگر جنبشهای اجتماعی به آن اندازه قوی باشد که سرمایه داری جهانی را با یک تهدید فوری روبرو سازد در آنصورت ما می توانیم شاهد عقب نشینی کاپیتالیسم از سیاستهای مخرب نئولیبرالیستی اش باشیم. به این معنا که حتی حداقل مطالبات اقتصادی توده مردم برای تسلیم نمایندگان سرمایه داری باید بر مبنای یک اتحاد رادیکال و تن ندادن به درز گرفتن خواسته های صنفی-سیاسی شان توسط اتحادیه ها و نهادهای نمایندگی شان است که میتواند ضامن دستیابی به این حداقلها باشد. حمایت از تمامی حرکتها و مقاومتها کارگری و

جهانی اگرچه حافظه جاری اش پر از خیانت احزاب سفید و بظاهر سوسیالیست و بخش اولترا راست اتحادیه ها و سندیکاها کارگری است، که خود این تجربه از طبقه کارگر نسبت به سوسیالیستها و چپ رادیکال سلب اعتماد شده؛ ولی در ایران خوشبختانه و یا شاید شوربختانه آنچنان ویژگی ندارد، چرا که در تاریخ سیاسی ایران که همواره مشت آهنین حکومت مداران حرف اول را زده است فرصت جوانه زدن هر گونه نهاد و سازمان حزبی - صنفی و یا سیاسی کارگری که به معنای واقعی کلام در پیوند گسترده با این طبقه باشند نداده است.

بنابراین طبقه کارگر با اعتمادی بالاتری میتواند با سازمانها و نهادهای سیاسی در ارتباط قرار گیرد. علیرغم باور برخی از فعالین چپ که گویا نسبت به جنبش چپ در درون طبقه کارگر بی اعتمادی عمیقی وجود دارد، واقعیات جور دیگریست. اکثریت رهبرین طبقه کارگر نه بی اعتماد بلکه از فقدان این پیوند است که به آن نقد دارند. با این تفاوت که دلیل این عدم پیوند را نه سرکوب وحشیانه و جو پلیسی در کارخانه ها و محل زیست طبقه کارگر و کل جامعه بلکه در تمایل شدید به کار روشنفکری در میان فعالین چپ و یا عجز در یافتن و طراحی سیاستها و شیوه مبارزاتی ای که پیوند طبقه کارگر را در دستور کار خود قرار داده باشد میدانند. البته بدلیل فقدان تجربه کار سیاسی در بین طبقه کارگر باید اذعان کرد که بخش اعظم جنبش چپ رادیکال علیرغم تلاشی که در این جهت دارند هنوز از یک

کار کمونیستی ارگان سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

kar@fedayi.org

راه سرخ نشریه فعالین داخل کشور سازمان

info@kare-online.org

ریگای گهل ارگان کمیته کردستان سازمان

kurdistan@fedayi.org **پهره سیلکه** نشریه نوجوانان کمیته کردستان

و آخرین اطلاعیه ها . مقالات . اخبار و دیگر انتشارات سازمان

را در اینترنت از سایتهای زیر دریافت کنید

www.fedayi.org

www.kare-online.org



اطلاعیه شورای نمایندگان

"نشست نیروهای چپ و کمونیست" بمناسبت آغاز سال تحصیلی 1392 - 1391

آنها در سالیان گذشته سرکوب گشته، رهبران تشکل های صنفی آن ها دستگیر و زندانی شده و در شرایط حاضر نیز مطالبات آن ها از طرف اداره آموزش و پرورش رژیم بی پاسخ مانده است.

اما با توجه به همه سیاست های سرکوبگرانه رژیم بر محصلین و دانشجویان، تجربه ۳۳ سال گذشته به حکومتگران ثابت کرده است، که این نسل را نیز نمی توان به تمکین واداشت. این نسل کنشگر مبارزات ضد دیکتاتوری و ضد سرمایه داری است. دانشگاه و دبیرستان علیرغم سرکوب، اخراج، شکنجه، زندان، تجاوز و تحقیر بی رحمانه رژیم مدافع اسلام، جهل، زن ستیزی، استبداد و سرمایه، استوارتر از گذشته زنده است.

این نسل با استفاده از تکنولوژی جدید و درس گیری از تجارب دانش آموزان و جوانان در دوره گذشته و جوانان مبارز در منطقه، می تواند خود را برای انجام وظایف انقلابی و مبارزاتی سنگین تری آماده کند که سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و کار برای الترناتیو سوسیالیستی، یکی از حلقه های آن است!

پیروز باد مبارزات انقلابی و رادیکال دانش آموزان، دانشجویان و معلمان!

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

اتحاد، مبارزه، پیروزی!

زنده باد آزادی و سوسیالیسم!

جمهوری اسلامی و ولایت فقیه و برحق نشان دادن سرمایه داران تحت عنوان کارآفرینان را بر دانش آموزان تحمیل کنند.

در سال تحصیلی جدید با ادامه تشدید فشارهای رژیم جمهوری اسلامی به منظور جبران شکست سیاست اسلامی کردن دانشگاه ها، در هزاران کلاس دانشگاهی طرح ارتجاعی و زن ستیزانه جداسازی جنسیتی انجام می گیرد. در نتیجه اجرای این سیاست، امسال در برخی از رشته ها در بیش از ۶۰ دانشگاه ایران، داوطلبان به صورت تک جنسیتی پذیرفته می شوند. کارگزاران جمهوری اسلامی از مدت ها قبل اعلام کرده اند که پذیرش دختران در ۷۷ رشته دانشگاهی و در ۳۶ دانشگاه متوقف خواهد شد و چادر، پوشش اجباری دانش آموزان دختر در دبیرستان ها می گردد. رژیم این سیاست مذبحخانه را با هدف مقابله با روند حضور و رشد زنان مبارز در عرصه های اجتماعی و نیز تداوم جو مبارزه جویانه و فرهنگ پیشرو در محیط دانشگاه ها و مدارس به اجرا گذاشته است.

سال تحصیلی جدید در شرایطی آغاز می شود که معلمان کماکان به خاطر سطح پائین حقوق شان ناچارند برای تامین معیشت خانواده شان حداقل به شغل دومی هم روی آورند. این در حالی است که خواسته ها و مبارزات حق طلبانه

اول مهر ماه، حدود یازده و نیم میلیون دانش آموز دختر و پسر مدارس ابتدائی، راهنمائی و دبیرستانی، که بخشی از ۲۰ میلیون کودک و نوجوان به اصطلاح لازم التحصیل هستند، به مدارس راه می یابند. بر اساس آمارهای رسمی، سه و نیم میلیون کودک از تحصیل محروم هستند و بیش از هفت میلیون دانش آموز در ایران ترک تحصیل کرده اند. بیش از ۲ میلیون از کودکان کار برای کمک به تأمین معیشت خانواده هایشان در کارگاه ها و خیابان ها در سطح کشور پراکنده اند. کودکان و نوجوانان خانواده های مهاجرین و شهروندان افغان در موقعیت به مراتب دشوارتری قرار دارند. از طرف دیگر شمار مدارس خصوصی برای تحصیل فرزندان سرمایه داران و اقبال ثروتمند جامعه رو به افزایش است و آموزش و پرورش به نحو بسیار آشکارتری چهره طبقاتی به خود گرفته است.

رژیم جمهوری اسلامی که همواره از رشد آگاهی و تقابل نسل جوان با سیاست های ارتجاعی و سرکوبگرانه اش هراسان است به اشکال گوناگون کوشیده است که مراکز آموزشی را به محیط های امنیتی تبدیل کند. سران رژیم همچنین تمام تلاش خود را به کار می برند تا کودکان و نوجوانان را خرافه پرست بار آورده و برای نیل به این امر درس های مملو از خرافات، دروغ و تحریف در جهت مقدس جلوه دادن

اسامی امضا کنندگان به ترتیب :

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

اتحاد چپ ایرانیان در خارج کشور

اتحاد فدائیان کمونیست

پیوند در خدمت کمونیست های ایران

جمعی از چپ های کلن - آلمان

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

حزب رنجبران ایران

حزب کمونیست ایران

حزب کمونیست ایران - مارکسیست-لنینیست-مائونیست

سازمان آزادی زن

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) کمیته مرکزی

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) هئیت اجرایی

شبکه زنان

شورای پشتیبانی از مبارزات مردم در ایران- تورنتو، کانادا

شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران-

استکهلم

شورای دانشجویان و جوانان چپ ایران

کانون همبستگی با کارگران ایران- گوتنبرگ

کمیته بین المللی برای حمایت زندانیان سیاسی ایران

کمیته خارج کشور سازمان فدائیان - اقلیت

کمیته یادمان کشتار زندانیان سیاسی در ایران - مونترال

نشست زنان چپ و کمونیست

نهاد همبستگی کارگری نورد راین و سنفالن- آلمان

نهاد همبستگی با جنبش کارگری ایران- غرب آلمان

هسته اقلیت

همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - پاریس



گرامی و جاودان باد یاد و خاطره فدایی
کبیر رفیق سیامک اسدیان (اسکندر)
همرزم رفیق حمید اشرف و همسنگر دکتر
اعظمی لرستانی !

گر چه با خون رفته ای
گر چه مانند شقایق های خونین ای
رفیق سرخ
در لرستان برگ خون
افشانده
گلگون رفته ای

تا صدای آتشی در کوه می پیچد
تا هزاران گام خون آلود رهپوی سحرگاه
است

خلق می گوید تو می آیی
خلق می گوید تو می آیی
لرستان چشم در راه است



خلق قهرمان . کارگران و رفقای
مبارز با مشارکت و ارسال
گزارشات . نظریات و انتقادات
خود ما را در غنی تر ساختن هر
چه بیشتر نشریه یاری نمایند .

برای تماس با سازمان فدائیان
کمونیست و یا ارگانهای آن با یکی از
آدرسهای زیر تماس بگیرید

روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

کمیته کردستان

kurdistan@fedayi.org

کمیته تهران

tehran@fedayi.org

کمیته کرج

karaj@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azer@fedayi.org

مسئولین پالتاک

paltalkroom@fedayi.org

کمیته امور پناهندگی

panahjo@fedayi.org

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست یک سازمان کمونیستی و بخشی از طبقه کارگر است که در جنبش آن شکل گرفته و هدف خود را گسترش و تکامل مبارزه طبقه بسمت پیروزی نهائی و ساختمان جامعه سوسیالیستی و کمونیستی قرار داده است . که در آن وحدت و یگانگی انسان تامین و تکامل هر فرد شرط تکامل همگان است . مبانی سیاسی و خط و مشی آن در برنامه سازمان بیان گردیده است . سازمان اتحاد فدائیان کمونیست در تمام عرصه های فعالیت خود از آموزش سوسیالیسم علمی پیروی می کند و به لحاظ ماهیت طبقاتی و ایدئولوژی . خود را سازمانی کارگری می داند .

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست تجمع آگاهانه و فعال کمونیست ها با جهت گیری وحدت گرایانه در عرصه جهانی است .

ریگای گه ل در فیس بوک

www.facebook.com/regaygal

فدائیان کمونیست در فیس بوک

<http://facebook.com/sitefedayi>

کار ، مسکن ، آزادی ، جمهوری فدراتیو شورایی !